

تأثیر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی بر وقوع انقلاب مشروطیت در ایران

رضا فاضل^۱، صفورا مهتابی سمنانی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۳، تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۲۹)

چکیده

در این تحقیق، تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی ملموس در دوره‌های پایانی حکومت قاجار بر وقوع انقلاب مشروطیت بررسی شده است. پرسش پژوهش این است که «آیا نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی اواخر دوره حاکمیت سلسله قاجار در گسترش آگاهی‌های سیاسی مردم و وقوع انقلاب مشروطه در ایران تأثیر داشته است؟». نتایج پژوهش حاکی از آن است که ایجاد دگرگونی در نهادهای کهن جامعه و به نمایش گذاشتن مظاهر تجدد و شیوه‌های جدید زندگی، آرمان‌های تازه‌ای را در میان طبقات مختلف اجتماعی پدید آورده و مفاهیم نوینی مانند آزادی و قانون را در میان آنان گسترش داده بود. متغیر آگاهی سیاسی در دوره پایانی سلسله قاجار برآمده از گونه‌ای نوسازی و نوگرایی نیم‌بند در این زمان بوده است. ایجاد نهادهای آموزشی و اقتصادی نوین به دست میرزا تقی خان امیرکبیر و سپس سماجت نظام استبدادی قاجار بر پایدار

*rfazel49@gmail.com

۱. استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲. کارشناس ارشد علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری

ماندن نهاد کهن سیاست، سرانجام رویارویی نهادهای آموزشی و اقتصادی نوپا را با نهاد فرسوده و کهن سیاست به دنبال داشت و به انقلاب مشروطیت انجامید.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطیت، ایران، اجتماعی، نوسازی اقتصادی، نوسازی سیاسی، مشارکت سیاسی.

۱. بیان مسئله

عوامل مؤثر بر وقوع انقلاب مشروطیت ایران سال‌هاست که از ابعاد گوناگون بحث و بررسی شده؛ اما به نظر می‌رسد بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه با تأثیرپذیری از تحقیقات پیشین و به‌منظور برجسته کردن عقب‌ماندگی‌های ایران عصر قاجار، تدریجاً به بیان ناتوانی حکومت و پنهان نگه داشتن پیشرفت‌های کشور پرداخته و حتی منکر هرگونه پیشرفت و نوسازی در این دوره شده‌اند. اما انقلاب مشروطیت ایران تلاشی برای تبدیل حکومتی سنتی به حکومتی جدید بوده و مشارکت همه گروه‌های مردم در این انقلاب پذیرش افکار نو در میان عموم مردم و نه فقط روشنفکران نوگرا را نشان داده است. همین مسئله لزوم تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای را در سال‌های پیش از انقلاب مطرح کرده که به نوسازی افکار جمعی در کشور انجامیده است. به این ترتیب، ضرورت انجام دادن پژوهشی متفاوت که به بررسی نوسازی‌های برخی پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی در دوران سلسله قاجار بپردازد، آشکار می‌شود. این تحقیق برای پاسخ به این پرسش انجام‌شده است که «آیا نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی اواخر دوره حاکمیت سلسله قاجار در گسترش آگاهی‌های سیاسی مردم و وقوع انقلاب مشروطه در ایران تأثیر داشته است؟».

۲. مبانی و چارچوب نظری

کرین بریتون (۱۸۶۸-۱۹۹۸م) در کتاب *کالبدشکافی انقلاب* (۱۹۳۸م) با بررسی چهار انقلاب آمریکا، فرانسه، انگلیس و روسیه دریافت که این انقلاب‌ها در مناطقی به‌وقوع پیوسته‌اند که تاحدی از توسعه اقتصادی برخوردار بوده است؛ اما گروه‌های اقتصادی مهم احساس کردند که منافعشان با سیاست‌های حکومتی محدود می‌شود یا در خطر می‌افتد. از دیدگاه بریتون، کسانی

که این انقلاب‌ها را انجام دادند، از محروم‌ترین و فقیرترین گروه‌های اجتماعی نبودند. او می‌گوید جوامع پیش از انقلابی دستخوش تضادهای شدید طبقاتی هستند؛ ولی بین طبقاتی که به یکدیگر نزدیک‌ترند مبارزه درمی‌گیرد. بریتون روشن کرده است که در همه جوامع پیش از انقلاب، روشنفکران به صورت مخالفان خطرناک هیئت حاکم و طبقه مسلط و صاحبان وسایل تولید درمی‌آیند (روشه، ۱۳۸۰: ۲۲۹-۲۳۰). چالمرز جانسون، جامعه‌شناس کارکردگرا، جوامع را به طور طبیعی در حال تعادل می‌داند و این تعادل را ناشی از سازگاری میان ارزش‌های مشترک جامعه و واقعیت‌های محیطی موجود در همان جامعه می‌داند. حال اگر عاملی پیدا شود که بتواند این تعادل را برهم زند، زمینه وقوع انقلاب نیز فراهم خواهد شد. نبود تعادل در هر نظامی ممکن است نتیجه تغییر در محیط، تغییر در ارزش‌ها یا تغییر در هر دوی آن‌ها باشد. اولسون و لوئیس بر این باورند که انقلاب در پی نوسازی و دگرگونی شیوه تولید رخ می‌دهد (رهبری، ۱۳۷۹: ۴۲). ساموئل هانتینگتون معتقد است انقلاب در جامعه‌ای کاملاً سستی یا در جامعه‌ای بسیار مدرن رخ نمی‌دهد؛ بلکه محل وقوع آن جایی است که سطوحی از نوسازی را گذرانده؛ اما نوسازی‌اش همه‌جانبه نبوده است. به نظر هانتینگتون، در نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی، ضرورت نوسازی سیاسی نادیده گرفته می‌شود؛ در نتیجه ساخت سیاسی از ساخت اقتصادی و اجتماعی عقب می‌ماند. در این هنگام، انقلاب شکل می‌گیرد تا نظام کهنه را به نظامی جدید تبدیل کند؛ این نظام جدید پاسخ‌گوی نیازهای جدید جامعه خواهد بود (ملکوئیان، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۳۵).

در این تحقیق، وقوع انقلاب مشروطیت از نگاه نظریه‌پرداز مکتب نوسازی، ساموئل هانتینگتون، بررسی می‌شود. پرسش مشترک همه محققان نوسازی این است که چه عواملی موجب پیشبرد نوسازی در جهان سوم شده و آثار فرایند نوسازی بر این جوامع چگونه بوده است. ویژگی اصلی مکتب نوسازی این است که در آن به هر جزء تشکیل‌دهنده فرایند نوسازی به عنوان مبدأ تغییر نگریسته می‌شود که در سطح ملی تأثیرگذار است؛ بنابراین نظریات نوسازی اساساً نظریات دگرگونی کشورهای ملی به‌شمار می‌روند. واحد تحلیل در این مکتب، «کشور ملی» است (سو، ۱۳۷۸-۱۳۸۰). براساس این، پرسش پژوهش حاضر این است که چه عواملی موجب پیشبرد نوسازی در ایران عصر قاجار شده و اصولاً آیا نوسازی‌هایی در این

عرصه صورت گرفته است. پس از پاسخ گفتن به این پرسش‌ها، به پرسش اصلی تحقیق می‌پردازیم:

آیا در ایران نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی به گسترش مشارکت سیاسی و به‌دنبال آن وقوع انقلاب مشروطه انجامیده است یا برعکس، گسترش مشارکت سیاسی، نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌دنبال آورده است؟ و اگر این‌گونه است، این فرایند چگونه بوده است؟

از دیدگاه هانتینگتون، پیش‌نیاز وقوع انقلاب، قرار گرفتن در مرحله‌ای از تحولات اجتماعی و اقتصادی و برابری از نوسازی‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه است. در این مرحله، جامعه دیگر جامعه کاملاً سنتی نیست؛ اما هنوز جامعه مدرن نیز به‌شمار نمی‌آید (ملکوتیان، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۴). هانتینگتون معتقد است در چنین جامعه‌ای، رشد نظام سیاسی و دولت از رشد نظام‌های اقتصادی و اجتماعی واپس‌مانده است و در نتیجه، تلاش‌های بیشتر برای نوسازی، نابسامانی‌های سیاسی بیشتری را به‌دنبال خواهد داشت؛ چون درحالی که فرایند نوسازی و آشنایی با شیوه‌های نوین زندگی و برخورداری از تولید و عرضه کالا و خدمات به قطع رابطه با الگوهای سنتی زندگی منجر می‌شود و زندگی بهتر توقعات بیشتری را برای مردم به‌بار می‌آورد، دولت قادر به پاسخ‌گویی به این توقعات نیست و در نتیجه، نارضایتی در سرتاسر جامعه گسترش خواهد یافت. همچنین، دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از نوسازی به شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی تازه در جامعه منجر می‌شود که برخی از آن‌ها خود را شایسته دخالت در امور سیاسی کشور می‌دانند و چون نظام سیاسی پذیرای این گروه‌های تازه نیست، این افراد تصمیم می‌گیرند به شیوه‌ای دیگر خود را وارد صحنه سیاست کنند. به تدریج، تمام این گروه‌ها «از کهن و نو گرفته تا سنتی و نوین، بیش از پیش از وجود خود به‌عنوان گروه و از داعیه‌ها و مصالح گروهی‌شان در برابر گروه‌های دیگر آگاهی یافته» و این آگاهی موجب می‌شود انسجام، تشکّل، فعالیت فزاینده و به‌طور کلی افزایش مشارکت سیاسی در این‌گونه جوامع به‌وجود آید و آن‌گاه که همه را درگیر کرد، به شکل انقلاب رخ نماید (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۷-۷۲).

جدول ۱ استخراج فرضیه‌ها

<p>نظریه</p>	<p>چالمرز جانسون می‌گوید اگر عاملی پیدا شود که بتواند تعادل جامعه را برهم زند، زمینه وقوع انقلاب نیز فراهم خواهد شد. نبود تعادل در نظام ممکن است نتیجه تغییر در محیط، تغییر در ارزش‌ها یا تغییر در هر دوی آنها باشد. هانتینگتون نیز معتقد است هنگامی که دولت در جامعه سستی با هدف پیشرفت و ترقی قلمروی خود شروع به نوسازی ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌کند، دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از این نوسازی، شامل شهری شدن، بالا رفتن سطح سواد و آموزش، صنعتی شدن، توسعه وسایل ارتباط جمعی و... دامنه آگاهی‌های سیاسی مردم را گسترش می‌دهد و درخواست‌های سیاسی را چندبرابر می‌کند و گروه‌هایی از جامعه را به دخالت در سیاست سوق می‌دهد. در این هنگام، چون نهادهای سیاسی موجود همچنان به عملکرد سابق خود ادامه می‌دهند و در نتیجه از پاسخ‌گویی به نیازهای جدید مردم ناتوان می‌مانند، عده‌ای در پی آن برمی‌آیند تا با اقدامی انقلابی، نظام سیاسی کهن را به نظام سیاسی نو که پاسخ‌گویی نیازهای جامعه باشد، تبدیل کنند. در این مرحله، مطابق نظریه بریتسون، روشنفکران در مقام مبشران و مبلغان خط مشی و ایدئولوژی انقلاب، به رواج مفاهیم تازه دامن می‌زنند.</p>
<p>فرضیه</p>	<p>گزاره: با توجه به اصول مکتب نوسازی، نوسازی‌های انجام‌شده در دوران قاجار از جمله بالا رفتن سطح سواد و آموزش و توسعه وسایل ارتباط جمعی باعث شد مردم از روحیه‌ای توکرا برخوردار شوند و خواستار دریافت جدیدترین مفاهیم و تازه‌ترین اطلاعات باشند و در همین جریان، با مفاهیم آزادی، قانون و مشروطه آشنا شوند. این روند به افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی آنان می‌انجامد و افزایش سطح آگاهی سیاسی به برهم خوردن تعادل جامعه و افزایش گرایش به دگرگونی نظام سیاسی منجر می‌شود. پس: نوسازی‌های انجام‌شده در جامعه با تغییر در ارزش‌ها به دگرگونی نظام سیاسی انجامیده است.</p>
<p>مصادیق</p>	<p>نوسازی‌های اجتماعی و اقتصادی انجام‌شده در دوران قاجار: نوسازی و اصلاح در وضعیت ارتش، امور دولتی و حکومتی، نظام آموزشی، وسایل ارتباطی، رسانه‌های جمعی، طب، وضعیت زنان، افزایش کالا و خدمات، گسترش تجارت خارجی، گسترش راه‌ها، و تشکیل بانک‌ها، مؤسسه‌های اقتصادی و کارخانه‌ها؛ رشد آگاهی سیاسی: آشنایی با مفاهیم استبداد، ملت، قانون و مشروطه؛ درخواست‌های سیاسی: مشروطه و قانون.</p>
<p>نظریه</p>	<p>هانتینگتون شهر را کانون مخالفت در درون کشور و طبقه متوسط شهری شامل روشنفکران، صاحبان حرف و بازرگانان را کانون مخالفت در درون شهر می‌داند. او معتقد است این طبقه بر اثر برطرف شدن نیازهای اصلی‌اش، اکنون متوجه نیازهای بالاتر و بیشتر شده و برطرف نشدن این نیازها سرخوردگی از جامعه و مخالفت با وضع موجود را در پی دارد. بنابراین براساس نظر بریتسون، روشنفکران به‌صورت مخالفان خطرناک، هیئت حاکم و طبقه مسلط و صاحبان وسایل تولید درمی‌آیند و به انتقاد از رژیم حاکم و تبلیغ خط مشی و ایدئولوژی انقلاب می‌پردازند.</p>
<p>فرضیه</p>	<p>گزاره: نوسازی‌های اجتماعی انجام‌شده در دوران قاجار به شکل‌گیری و گسترش یکا طبقه متوسط شهری جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده است که به انتقاد از رژیم حاکم و تبلیغ خط مشی و ایدئولوژی انقلاب می‌پردازند و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیر گذارند. نوسازی‌های اجتماعی به گسترش طبقه شهری جدید می‌انجامد و طبقه شهری جدید به مشارکت سیاسی در جامعه گرایش بیشتری دارد؛ پس: نوسازی اجتماعی گرایش به دگرگونی نظام سیاسی را بیشتر می‌کند.</p>
<p>مصادیق</p>	<p>افزایش شمار روشنفکران و بازرگانان (طبقه متوسط شهری) ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم.</p>
<p>نظریه</p>	<p>اولسون و لوئیس بر این باورند که انقلاب در پی نوسازی و دگرگونی رخ می‌دهد و هانتینگتون رشد شتابان اقتصادی در جامعه دستخوش نوسازی را علت پیدایش ثروتمندان نوکسبه‌ای می‌داند که با سامان سیاسی موجود کاملاً سازگار و هم‌رنگ نیستند و قدرت سیاسی و مقررات اجتماعی‌ای را خواستارند که با موقعیت اقتصادی آنها تناسب داشته باشد. این گروه به برخی مزایای نمادین یا مادی نیاز دارند. که فقط با درخواست‌های سیاسی می‌تواند به این مزایا دست یابد. وجود گروه‌های آرزومند و تعالی‌جو و نهادهای خشک یا انعطاف‌ناپذیر زمینه‌ساز انقلاب‌هاست.</p>
<p>فرضیه</p>	<p>گزاره: نوسازی‌های اقتصادی انجام‌شده در دوران قاجار به تشکیل و گسترش ثروتمندان جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیر گذار بوده است. نوسازی‌های اقتصادی به گسترش ثروتمندان جدید می‌انجامد و گسترش ثروتمندان جدید، اقتصاد لیبرالی را می‌طلبد و اقتصاد لیبرالی خواهان نظام سیاسی حاکمیت متناسب با نظام بازار اقتصاد جهانی است؛ پس: نوسازی اقتصادی گرایش به دگرگونی نظام سیاسی را بیشتر می‌کند.</p>
<p>مصادیق</p>	<p>ثروتمندتر شدن بازرگانان ایرانی در نیمه دوم قرن نوزدهم و افزوده شدن بر تعداد آنها.</p>

۳. روش تحقیق

روش مطالعه در این تحقیق، تاریخی است. ازدیدگاه ابن‌خلدون، شناخت تاریخی مستلزم آن است که پژوهشگر علت‌های اجتماعی را دنبال کند. به عقیده او، جامعه مانند هستی‌های دیگر مشمول نظام علی است. هانس گرت تاریخ را «دگرگونی‌هایی [می‌داند] که در ساخت‌های اجتماعی رخ می‌دهند». او معتقد است: «هر مدل یا الگویی از ساخت اجتماعی، یک الگوی دگرگونی تاریخی - اجتماعی را دربرمی‌گیرد.» (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش، «کتابخانه‌ای و اسنادی» و ابزار گردآوری هم «فیش» بوده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک و یافته‌های مکتوب تاریخی در دوران معاصر ایران و بررسی مقایسه‌ای و مقابله آن‌هاست. به این ترتیب که پس از بیان مسئله، یافتن نظریه‌ها و استخراج فرضیه‌های مناسب، شاخص‌های مرتبط با موضوع شناسایی شده و به دنبال آن، براساس این شاخص‌ها، به گردآوری اطلاعات و برقراری ارتباط میان داده‌ها و فرضیه‌ها اقدام شده و در پایان، موضوع تحقیق و نتایج نهایی تبیین شده است.

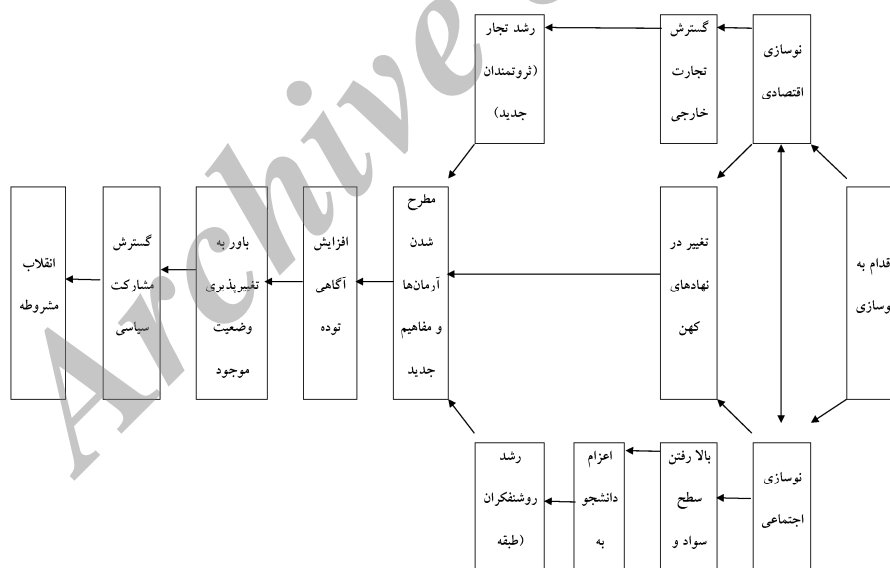
در این پژوهش، وراى توصیف یا شرح و روایت به تبیین نیز پرداخته شده؛ یعنی وقایع تابع عوامل چندی قرار گرفته است. برای شناخت علی پدیده‌های تاریخی، بخش‌های پایانی دوره دودمان قاجاریه بازسازی شده است. همچنین، این پژوهش بیشتر متوجه چگونگی ساختمان گروه‌ها بوده است تا شخصیت قهرمانان تاریخی این دوره. نگارندگان تلاش کرده‌اند تا میان مرحله شناخت و تجزیه و تحلیل رویدادها رابطه منطقی برقرار کنند، از قضاوت‌های ذهنی بپرهیزند و مسائل را به صورت عینی مطالعه کنند.

نگارندگان از الگوی روشی ئی.اچ. کار درباره انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه بهره‌برداری کرده‌اند. ئی.اچ. کار در بررسی انقلاب روسیه، مراحل به دست گرفتن قدرت توسط بلشویک‌ها را در فرایند انقلاب روسیه مطرح کرده است. او نشان داده است که چگونه پدیده‌های اجتماعی و اتفاق‌های گوناگون یکی پس از دیگری رخ داده و سرانجام به این انقلاب تبدیل شده‌اند. در پژوهش حاضر، اهمیت هریک از پدیده‌ها برپایه نقش آن‌ها در پیشروی به سوی انقلاب مشروطیت بررسی و توضیحات تکوینی بیان شده است. در توضیحات تکوینی، وقوع انقلاب به عنوان مرحله نهایی، در توالی وقایعی که به آن انجامیده‌اند بیان می‌شود.

۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. نوسازی‌های اجتماعی انجام‌شده در دوران قاجار به شکل‌گیری و گسترش یک طبقه متوسط شهری جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است.
۲. نوسازی‌های اقتصادی انجام‌شده در دوران قاجار به تشکیل و گسترش ثروتمندان جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است.
۳. نوسازی‌های انجام‌شده در دوران قاجار به شکل‌های مختلف از جمله با بالا بردن سطح سواد و آموزش و توسعه وسایل ارتباط جمعی، به بالا رفتن سطح آگاهی‌های سیاسی مردم کمک کرده و از این رهگذر در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است.

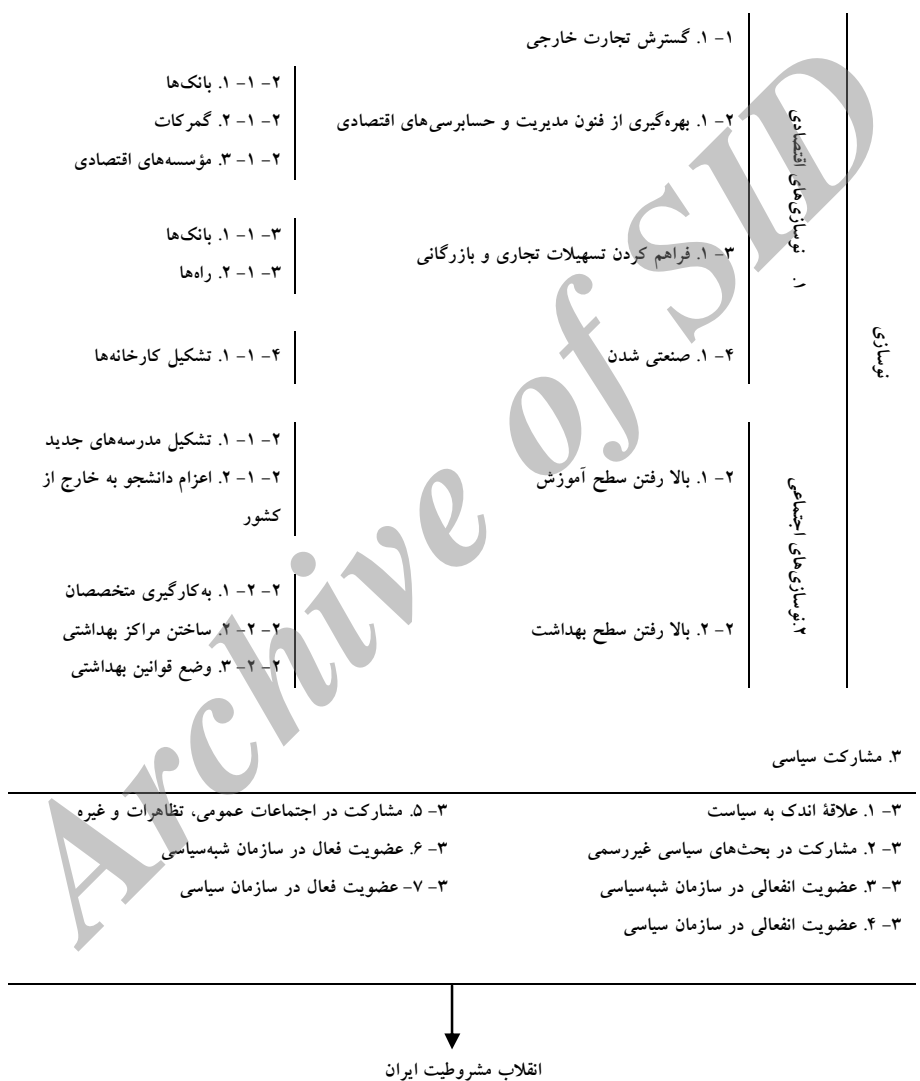
۵. مدل تحلیلی



۶. شاخص‌ها و مفاهیم

معلول: مشارکت سیاسی - انقلاب مشروطیت ایران

علت: نوسازی اقتصادی - نوسازی اجتماعی



۷. یافته‌های تحقیق

۷-۱. نوسازی در عصر قاجار

اولین برنامه نوسازی در عصر قاجار را عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه و والی آذربایجان، (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق) آغاز کرد. آنچه او را مشتاق پیشرفت و آگاهی از عقب‌ماندگی ایران کرد، شکست ایران از روس بود که در آن، قشون قبیله‌ای ایران به‌آسانی در برابر تجهیزات مدرن ارتش روس ناتوان شد. به‌دنبال این شکست و آگاهی از پیشرفت‌های علمی و فنی در سرزمین‌های اروپایی، عباس میرزا به ضرورت اصلاحات در ایران پی برد و با همفکری میرزا بزرگ (میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام) در راه پیشرفت کشور قدم گذاشت.

انگیزه و هدف اصلی عباس میرزا از اصلاحات، پیشرفت قشون بود. او ارتشی مرکب از ۶هزار نظامی و مجهز به توپخانه متحرک و سلاح‌های جدید فراهم کرد، مقرری منظم و لباس‌های یک‌شکل برای آنان در نظر گرفت، آنان را در پادگان‌ها جای داد، افسران اروپایی را برای آموزش آنان به خدمت گرفت و برای تأمین تجهیزات ارتش، فرمان داد کارخانه توپ و تفنگ‌سازی در تبریز ساخته شود.

جریان نوسازی ارتش ضرورت تدوین نظام‌نامه‌ها و مقررات مربوط به آن را پیش آورد و این ضرورت عباس میرزا را متوجه اقداماتی گسترده‌تر کرد. او برای پیشبرد امور، اداره‌ای برای ترجمه برپا کرد. نیاز به تعامل با اروپا به ایجاد اولین دفاتر نمایندگی ایران در لندن و پاریس منجر شد. عباس میرزا برای تأمین نیروی کار مورد نیاز در نظام اداری جدید گروهی از دانشجویان ایرانی را برای یادگیری علوم کاربردی مانند علوم نظامی، مهندسی، تفنگ‌سازی، پزشکی، چاپ و زبان‌های خارجی روانه اروپا کرد. تأمین هزینه‌های این امور باعث کم شدن حقوق و مستمری‌ها و مخارج بیهوده دربار شد و با استفاده از تعرفه‌های حمایتی و تحریم استفاده از پارچه‌های خارجی، درآمدها افزایش یافت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۸). پس از مرگ عباس میرزا، درگیری محمدشاه در جنگ و بی‌اعتنایی او به لزوم اصلاحات، روند نوسازی کشور را بسیار کند کرد تا اینکه سرانجام نوبت به ناصرالدین شاه رسید.

میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر آغازگر دومین اقدام در نوسازی بود. او پس از به تخت نشستن ناصرالدین شاه در ۱۲۲۶ش / ۱۸۴۸م (۵۸ سال پیش از انقلاب) به مقام

امیرنظام و صدراعظم منسوب شد و تغییرات و اصلاحات بسیاری را در ایران پدید آورد. علاقه او به اصلاحات نتیجه آشنایی اش با اصلاحات و تنظیمات امپراتوری عثمانی بود. او قبل از رسیدن به صدارت، به‌عنوان فرستاده ویژه ایران به عثمانی با این امپراتوری در ارتباط بود. با مرگ امیرکبیر هرچند پاره‌ای از اصلاحات کنار گذاشته شد، ناصرالدین شاه و وزیرانش روند نوسازی و نوآوری در کشور را ادامه دادند و ایران تحولات بسیاری را از سر گذرانند (همان، ۶۸-۷۱؛ خلیلی خو، ۱۳۷۳: پیشگفتار).

ناصرالدین شاه اولین پادشاه ایرانی بود که به سفر فرنگ رفت. او در سفر خود از کارخانه‌های گوناگون صنعتی، تأسیسات نظامی و برخی تأسیسات اجتماعی دیدن کرد؛ به مشاهده پارلمان‌های آلمان، فرانسه و انگلستان پرداخت و گفت‌وگوی میان نمایندگان مجلس و وزیران مورد ملاحظه او قرار گرفتند. اولین سفر او در سال ۱۲۵۲ش / ۱۲۹۰ق / ۱۸۷۳م انجام شد. او در این سفر از کارخانه‌های اسلحه‌سازی و پارچه‌بافی، پایگاه‌های دریایی و ناوگان جنگی بریتانیا بازدید کرد. سفر دوم ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۵ق / ۱۸۷۸م بود. نتیجه این سفر، استخدام جمعی صاحب‌منصب و معلم نظامی از اتریش و خریداری مقداری اسلحه و مهمات جنگی از آنجا بود. به‌دنبال این اقدامات، دسته‌ای از معلمان روس نیز به‌همراه توپ و فشنگ برای آموزش سواره‌نظام کشور به سبک قزاقان روس به ایران فراخوانده شدند. هدف از این اقدامات این بود که ارتشی مرکب از پیاده و سواره و توپخانه مانند ارتش فرنگستان تشکیل شود (بیانی، ۱۳۷۵: ۴۴۳-۴۵۷).

۲-۷. نوسازی در ارتش

پس از عباس میرزا، امیرکبیر در پی تجهیز ارتشی دائم برآمد و به‌منظور تأمین نیازمندی‌های ارتش و قطع واردات خارجی، پانزده کارخانه برای تولید توپ، سلاح‌های سبک، یونیفورم‌های نظامی، انواع نشان‌های نظامی، پارچه‌های پشمی، چلوار و پارچه‌های دیگر، کالسکه، سماور، کاغذ، چدن، سرب، مس و قند و شکر احداث کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۷۰).

۳-۷. نوسازی در طب

ورود هیئت‌های خارجی به ایران در دوران قاجار ورود پزشکی مدرن را نیز به دنبال داشت. توجه عباس میرزا به طب جدید موجب شد در اولین برنامه اعزام دانشجو به فرنگ (۱۲۲۶ق/ ۱۸۱۱م) یک نفر را مأمور کند به تحصیل در رشته پزشکی بپردازد. به این ترتیب، میرزا حاجی بابا افشار با سیمت حکیم‌باشی یکی از بنیان‌گذاران علم پزشکی به‌شیوه اروپایی در ایران شد و تلاش کرد تا «روش پزشکی نوین و به‌اصطلاح فرنگی را در مکتب پزشکی ایران که تا آن زمان به‌صورت ارثی و تجربی متداول بود، داخل سازد»؛ اما با این حال و با وجود پزشکان دیگری که در اروپا تحصیل کرده بودند، تا پیش از تشکیل دارالفنون، تغییری در وضع طبابت و تحصیل طب به‌وجود نیامد و آموزش پزشکی همچنان به‌صورت تجربی و سنتی و از طریق کارآموزی در کنار پزشکان معروف قدیمی رواج داشت. با تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ق)، پزشکی یا «طب» یکی از رشته‌های اصلی این مرکز معرفی شد و پزشکان متخصص خارجی و پزشکان ایرانی تخصص‌یافته در فرنگ به‌عنوان استادان این رشته انتخاب شدند. در دوران ناصرالدین شاه، بیمارستان‌های به‌نسبت معتبری به سبک نوین در تهران و برخی شهرستان‌ها برپا شد (روستایی، ۱۳۸۲: ۴۹-۲۰۶).

۴-۷. نوسازی و اصلاح در امور دولتی و حکومتی

اصلاحات امیرکبیر در دوران صدارتش گستره‌ای از «اصلاحات عمومی، اصلاح نظام جدید، اصلاح دستگاه عدالت، اصلاح اخلاق مدنی، اصلاح امور شهری، نشر دانش و فرهنگ نو، رواج صنعت جدید، توسعه کشاورزی و پیشرفت تجارت» را دربرمی‌گیرد. پس از او، ناصرالدین شاه برای بهبود امور حکومتی منصب صدارت را برانداخت و کارها را بین شش وزارتخانه (وزارت خارجه، وزارت داخله، وزارت مالیه، وزارت جنگ، وزارت وظایف و اوقاف و وزارت علوم) تقسیم کرد و برای نظارت بر عملکرد آنان «شورای دولت را تأسیس نمود و پس از مدتی، وزارتخانه‌ها را موظف کرد تا گزارش عملکرد خود را در هفته مستقیماً به اطلاع وی برسانند.» (رائین، ۲۵۳۵: ۱۰؛ مستوفی، ۱۳۲۴: ۱۱۹؛ عباسی، ۱۳۷۲: ۱۵). در سال‌های بعد، شاه به‌منظور پیشبرد بهتر امور تعداد وزارتخانه‌ها را افزایش داد و در شعبان

۱۲۸۸ق، دوباره مقام صدارت را ابقا کرد و نظارت بر وزارتخانه‌ها را به آن مقام سپرد (مستوفی، ۱۳۲۴: ۱۵۶).

از دیگر اقدامات اصلاحی در این زمان عبارت‌اند از: ممنوع کردن تجارت برده، توصیه به محترم شمردن مالکیت خصوصی، کشت محصولات جدید از جمله سیب‌زمینی، بنا کردن زندان در شهرهای بزرگ به منظور کنار گذاشتن مجازات‌های سنتی از جمله زنده به گور کردن و قطع عضو مجرمان، ایجاد مجلس مصلحتخانه و مجلس تجار در تهران و شهرهای اصلی ایالات (برای مدتی کوتاه)، اجازه فعالیت به هیئت‌های کاتولیک و پروتستان در میان یهودیان، آسوریان و ارمنه و احداث مدرسه، درمانگاه و چاپخانه در تبریز، ارومیه، تهران، اصفهان و همدان توسط آنان، گسترش دارالفنون و

در اواخر دوره ناصرالدین شاه، تهران از پلیس منظم، شهرداری، رفتگر، درمانگاه، یک ضرابخانه مرکزی، خیابان‌های سنگفرش دارای چراغ گاز، کالسکه و موزه برخوردار بود و شبکه گسترده تلگراف تمام ایران را به هم و نیز هندوستان و لندن را به تهران مرتبط می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۷۴). پس از ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه اعلام کرد که هرگونه اصلاحاتی که به پیشرفت کشور کمک کند حتی اگر به نفع شخص شاه نباشد، باز هم مورد تأیید قرار می‌گیرد (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲؛ راین، ۲۵۳۵: ۲۴). در این زمان، مردم از آزادی‌های زیادی به‌ویژه در دستیابی به علم و دانش و آگاهی‌های سیاسی برخوردار شدند (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱۹).

۵-۷. نوسازی در وسایل ارتباطی

نخستین خط تلگراف در سال ۱۲۶۷ق / ۱۸۵۱م یعنی سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه از قصر سلطنتی به باغ لاله‌زار کشیده شد و مورد استفاده شاه و درباریان قرار گرفت. دو سال بعد، خطوط تلگراف تهران را با رشت، تبریز، اصفهان، همدان، شیراز و مشهد مرتبط کرد و در سال ۱۳۱۹ق تهران از طریق شهرهای کاشان، یزد و کرمان به مرزهای هندوستان و بلوچستان متصل شد. کم‌کم تمام شهرها دارای تلگراف شدند و از این راه، گزارش وضعیت شهرها که قبلاً به وسیله چاپار و پست به شاه و صدراعظم می‌رسید، روزانه به تهران مخابره می‌شد (عباسی، ۱۳۷۲: ۱۶ و ۱۸). از سوی دیگر، مردم با این تصور که خطوط تلگراف به‌طور مستقیم

تأثیر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی بر ... _____ رضا فاضل و همکار

به شاه ختم می‌شوند، برای شکایت و دادخواهی، ادارات تلگراف را به محلی برای بست‌نشینی تبدیل می‌کردند تا اعتراض‌های خود را به گوش شاه برسانند (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۲۷).

۶-۷. نوسازی در رسانه‌های جمعی

تلاش برای نوسازی ایران به سبک غرب، انتشار روزنامه به سبک فرنگیان را نیز در پی داشت. تا پیش از انتشار روزنامه، «منبر و منبریان و در برخی موارد جارچیان» تنها منابع خبررسانی در ایران به‌شمار می‌رفتند. اما انتشار روزنامه، به‌عنوان وسیلهٔ خبررسانی جدید، این امکان را فراهم آورد که علاوه‌بر خبرهای دولتی، مفاهیم جدیدی از جمله ملت و ملت‌ی نیز در میان مردم گسترش یابد (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۴۹). اولین روزنامه‌ای که در ایران چاپ شد، با عنوان *کاغذ اخبار* (ترجمهٔ newspaper) در یک صفحه در عصر محمد شاه (۱۲۵۲ق/ ۱۸۳۷م) منتشر شد و برای اولین بار دربارهٔ اصول آزادی و حکومت دموکراسی نوشت. انتشار این روزنامه منظم و گسترده نبود و تقریباً ماهی یک‌بار چاپ می‌شد (ناهدی آذر، بی‌تا: ۷؛ آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۶۲؛ محسنیان راد، ۱۳۷۵: ۵۸).

انتشار مرتب روزنامه در ایران در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۷ق/ ۱۸۵۱م) با عنوان *وقایع اتفاقیه* انجام گرفت. نام این روزنامه در سال ۱۲۷۲ق به *دولت علیّه ایران* و در سال ۱۳۲۰ق به *روزنامهٔ ایران* تغییر یافت (رایینو، ۱۳۷۲: ۷). در این زمان روزنامهٔ دولتی دیگری با عنوان *اطلاع* نیز منتشر شد که مطالب علمی و اخلاقی و میزان خواربار در میدان و چیزهای از این قبیل در آن به‌چاپ می‌رسید (مستوفی، ۱۳۶۰: ۱۸). با توجه به دولتی بودن روزنامهٔ *وقایع اتفاقیه*، ناصرالدین شاه در حدود سال ۱۸۵۷م به‌منظور «آزادی نگارش» اجازهٔ انتشار *روزنامهٔ ملتی* را صادر کرد و به این ترتیب، سومین روزنامهٔ ایران در تبریز منتشر شد.

نشریه‌های مشهور فارسی‌زبان که همه با عنوان روزنامه در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در ایران به‌چاپ رسیده‌اند به‌ترتیب زمانی (قمری) عبارت‌اند از:

تهران: *وقایع اتفاقیه* (۱۲۶۷)، تهران: *دولت علیّه ایران* (۱۲۷۲)، تبریز: *ملتی* (۱۲۷۵)، شیراز: *فارس* (۱۲۸۹)، اراک: *رنجبر* (۱۲۸۹)، خوی: *شفق* (۱۲۹۰)، تهران: *علمی* (۱۲۹۳)، تهران: *نظامی*

علمیه و ادبیه (۱۲۹۳)، اصفهان: فرهنگ (۱۲۹۶)، تهران: مریخ (۱۲۹۶)، تهران: نجات (۱۲۹۷)، تهران: دانش (۱۲۹۹)، تهران: شرف (۱۳۰۰)، تبریز: مدنیت (۱۳۰۱)، تبریز: ناصری (۱۳۱۱)، تهران: اطلاع (۱۳۱۳)، تهران: تربیت (۱۳۱۴)، تهران: شرافت (۱۳۱۴)، تبریز: الحديد (۱۳۱۵)، تبریز: احتیاج یا اقبال (۱۳۱۶)، تبریز: ادب (۱۳۱۶)، یزد: معرفت (۱۳۱۶)، تهران: معارف (۱۳۱۷)، بوشهر: طلوع (۱۳۱۸)، تهران: فلاحت مظفری (۱۳۱۸)، مشهد: ادب (۱۳۱۸)، بوشهر: مظفری (۱۳۱۹)، تبریز: کمال (۱۳۱۹)، تبریز: معرفت (۱۳۱۹)، تهران: لسان‌الغیب (۱۳۱۹)، تبریز: گنجینه فنون (۱۳۲۰)، تهران: ایران (۱۳۲۰)، تهران: نوروز (۱۳۲۰)، تبریز: عدالت (۱۳۲۳)، تهران: شاهنشاهی (۱۳۲۳)، تهران: مجموعه اخلاق (۱۳۲۳) (رایینو، ۱۳۷۲).

در اواخر دوران ناصرالدین شاه، ورود نشریه‌های فارسی‌زبانان چاپ خارج از کشور به برخی از شهرهای ایران رواج یافت. این نشریه‌ها از آزادی بیان زیادی برخوردار بودند: اختر، قانون، پرورش، حبل‌المتین و ثریا.

۷-۷. نوسازی در نظام آموزشی

تغییری که سلسله قاجار از لحاظ آموزشی در ایران به وجود آورد، جایگزینی مدرسه‌های جدید با مکتبخانه‌های قدیم بود؛ هرچند این کار بسیار با کندی صورت گرفت. این اقدام با اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی در زمان عباس میرزا (۱۲۲۶ق/ ۱۸۱۱م) آغاز شد. از سال ۱۲۵۰ق به بعد، آمریکایی‌ها آموزشگاه‌هایی را در ارومیه، تهران، تبریز، همدان و رشت برپا کردند. جمعیت مذهبی لازاریست‌های فرانسه در سال ۱۲۷۷ق مدرسه سن‌لویی را در تهران بنا گذاشتند و جمعیت مذهبی انگلستان نیز در سال ۱۳۳۲ق مدرسه‌ای به نام استیوارت مموریال کالج را در اصفهان به راه انداختند و به دنبال آن آموزشگاه‌هایی در شیراز، کرمان و یزد برپا کردند (الماسی، ۱۳۷۸: ۱۶۴). اولین مدرسه پسرانه آمریکایی در ارومیه در ۱۲۵۲ق و اولین مدرسه دخترانه این شهر دو سال پس از این تاریخ راه‌اندازی شد (ترابی، ۱۳۷۸: ۱۱) و به دنبال آن، مدرسه‌های دیگری به آن‌ها افزوده شد که اغلب دختران ارمنی در آن‌ها تحصیل می‌کردند. طی چند دهه بعد، مدرسه‌های مشابهی در تهران، تبریز، مشهد، همدان و رشت برپا شد. اما دختران مسلمان برای اولین بار در دهه ۱۲۵۰ش به این مدرسه‌ها راه یافتند (آفاری، ۱۳۷۷: ۱۶). امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ق/ ۱۸۵۱م اولین مدرسه به سبک اروپایی را در

تأثیر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی بر ... رضا فاضل و همکار

ایران با نام «دارالفنون» - به‌عنوان دانشگاه یا دبیرستان - بنیان گذاشت و علوم و فنون جدید را وارد ایران کرد (حسن‌بیگی، ۱۳۶۶: ۱۸۱).

اولین دبستان‌های ایران در زمان مظفرالدین شاه و به سال ۱۳۱۴ق/ ۱۲۷۵ش توسط رشیدی و با حمایت امین‌الدوله، صدراعظم وقت، نخست در تبریز و سپس در تهران گشوده شد. در آغاز، برخی روحانیان با مدرسه‌های جدید مخالفت کردند؛ اما با پشتیبانی دو روحانی (شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبایی) از این مدرسه‌ها و استقبال مردم از آن‌ها، هر روز بر شمار دبستان‌ها افزوده شد؛ به‌طوری که در سال ۱۲۷۹ش، ۲۱ دبستان (۱۷ دبستان در تهران و ۴ دبستان در تبریز، بوشهر، رشت و مشهد) در ایران دایر بود و تا سال ۱۲۸۵ش تقریباً در تمام شهرهای ایران یک یا دو دبستان گشوده شد (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۸ و ۳۹).

در سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م نخستین کتابخانه ملی ایران در تهران تشکیل شد و این مکان به محلی برای تجمع اصلاح‌طلبان تبدیل شد (رائین، ۲۵۳۵: ۱۷۴). در این زمان، تعداد باسوادان ۵ درصد کل جمعیت گزارش شده است (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۵۱).

۷-۸. تشکیل انجمن‌های مخفی

انجمن‌های موجود در ایران تا دوران ناصرالدین شاه به‌دلیل اختناق سیاسی حاکم بر کشور، محدود به خانقاه‌ها، انجمن‌های صنفی و انجمن‌های فتوت (که از یک‌سو به خانقاه‌ها و از سوی دیگر به انجمن‌های صنفی مربوط می‌شدند) بود که کار آنان نیز بیشتر جنبه خیریه داشت. اما پس از امیرکبیر، روشنفکران ناراضی از سیاست، برای بحث و گفت‌وگو به ایجاد انجمن‌های مخفی پرداختند. این انجمن‌ها در ابتدا شکل جلسات ادبی داشت و در خانه‌ها برگزار می‌شد.

سوءقصد بایبان به ناصرالدین شاه در ۲۸ شوال ۱۲۶۸ (۱۸۵۲م) و تشکیل پلیس خفیه در تهران به بسته‌تر شدن فضای سیاسی در این دوره انجامید. این وضع باعث شکل‌گیری بیشتر و جدی‌تر انجمن‌های مخفی شد که به بحث و انتقاد درباره اوضاع جدید و قدیم می‌پرداختند. در این اوضاع، مشاوران شاه را ترغیب کردند انجمنی تأسیس کند که اعضای آن در برابر شاه سوگند وفاداری یاد کنند؛ چون نمی‌توان با زور و ترس حکومت را حفظ کرد و شاه نیاز به

وفادارانی سوگندخورده دارد. این انجمن را- که در سال ۱۸۵۸م ملکم‌خان به وجود آورد- «لژ فراموشخانه» نامیدند (آوری، ۱۳۸۲: ۲۱۹ و ۲۳۶).

انجمن‌های مهمی که از این پس در ایران عصر قاجار تا پیش از انقلاب مشروطه تشکیل شدند، عبارت بودند از: مجمع آدمیت (۱۲۹۹ق)، انجمن مخفی (۱۳۲۲ق)، انجمن ملی (۱۳۲۲ق)، کمیته انقلابی (۱۳۲۲ق)، اجتماعيون عاميون (۱۳۲۲ق)، مرکز غیبی تبریز (۱۳۲۲ق).

۷-۹. تغییر در وضع زنان

در دوران قاجار، ورود اروپاییان به ایران موجب بروز تغییراتی در زندگی و موقعیت اجتماعی زنان پایتخت و شهرهای بزرگ شد. در این زمان، برخی از زنان طبقات بالای اجتماع توانستند در مدرسه‌های خارجیان تحصیل کنند. در سال ۱۸۳۸م، آمریکاییان مدرسه‌های دخترانه‌ای را در شهر ارومیه تأسیس کردند که به‌طور رایگان به ثبت‌نام دختران ارمنه می‌پرداخت. طی سال‌های بعد در تهران، تبریز، مشهد، همدان و رشت نیز چنین مدرسه‌هایی برپا شد و در دهه ۱۸۷۰م دختران مسلمان نیز به این مدرسه‌ها راه یافتند (آفاری، ۱۳۷۷: ۱۶).

با تأسیس کارخانه‌های جدید در ایران، امکان پرداختن به شغل‌های جدید صنعتی و خدماتی برای گروه‌هایی از زنان فراهم آمد و آنان به‌عنوان کارگر در کارخانه‌ها مشغول به کار شدند؛ به این ترتیب علاوه بر اینکه با محیط‌هایی غیر از خانه و خانواده آشنا می‌شدند، به منبع درآمدی نیز دست می‌یافتند (علویون، ۱۳۸۱: ۶۵).

ورود زنان به جامعه، تمایل آنان به مشارکت در امور مختلف را نیز بالا برد و در جریان انقلاب مشروطه نیز زنان مشارکت بالایی نشان دادند. فعالیت‌های زنان در حین انقلاب، از جمله تلاش ناموفق برای پیوستن به بست‌نشستگان سفارت انگلیس در ۱۹۰۶م، شور و شوق آنان در تأسیس بانک ملی و تحریم منسوجات خارجی، و تأسیس انجمن‌های زنان و مدرسه‌های دخترانه و مراکز بهداشتی (آفاری، ۱۳۷۷: ۹-۱۱)، با اینکه از آنان هیچ انتظاری نبود و دولت جدید نیز از آنان حمایت نمی‌کرد، این تصور را که فعالیت آنان به پیروی از مردانشان بوده است، با تردید همراه کرد. به نظر می‌رسد مشارکت زنان بی‌سواد در انقلاب مشروطه نتیجه حضور آنان در مسجدها و شنیدن سخنان انتقادی واعظان بوده است؛ ولی زنان

تأثیر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی بر ... رضا فاضل و همکار

تحصیل کرده به‌گونه‌ای سازمان‌یافته و با آگاهی بیشتر قصد مشارکت داشتند و می‌خواستند به‌گونه‌ای رسمی با آنان رفتار شود. اما پس از پیروزی انقلاب مشروطه، مخالفت مجلسیان با این جریان اعلام شد و در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ روزنامه مجلس خطاب به آنان اعلام کرد: «در امور خاصه رجال، از قبیل علوم پلتیکی و امور سیاسی، فعلاً مداخله زنان اقتضاء ندارد». انجمن‌های معروفی که زنان در جریان انقلاب مشروطیت تشکیل دادند، عبارت‌اند از: انجمن حریت زنان (۱۲۸۶ق)، انجمن زنان تبریز (۱۲۸۶ق) و اتحادیه غیبی نسوان (۱۲۸۷ق) (احمدی خراسانی، ۱۳۷۹).

۷-۱۰. اوضاع عمومی

براساس تحقیقات باری‌یر، اقتصاد ایران در آغاز قرن بیستم اقتصاد راکدی نبود و شواهد موجود، رشد اقتصادی حداقل یک درصد در سال را برای این کشور نشان می‌دهد. همچنین، او اظهار می‌کند در سال ۱۲۷۹ش سطح زندگی ایرانیان نسبت به سال‌های قبل اندکی بهتر شده و شرایط عمومی زندگی در ایران بهتر از کشورهای همجوار بوده است (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۵-۶).

در نیمه دوم سلطنت مظفرالدین شاه (هنگام صدارت عین‌الدوله)، کالای خارجی از جمله قند و شکر، پارچه، کبریت و نفت روس به‌وفور و ارزانی در بازارهای تهران و ایالات شمال، شمال‌غربی و مرکزی به‌فروش می‌رسید و طی سه‌چهار سال آخر سلطنت مظفرالدین شاه، قیمت برخی اجناس به نصف قیمت قبلی کاهش یافت که دلیل آن را ترویج مال‌التجاره روس در ایران بیان کرده‌اند. این وضعیت به ضرر صنایع داخلی و تجارت جزء تمام می‌شد؛ اما زندگی عامه مردم بهتر از گذشته شد و در فاصله سال‌های دهه ۱۲۷۰ تا ۱۲۹۰ش به میزان ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بر مردها افزوده شد (مستوفی، ۱۳۶۰: ۵۸؛ برار، ۲۵۳۵؛ فوران، ۱۳۷۷: ۲۰۶).

۷-۱۱. تجارت

پیوستن ایران به بازار جهانی در نیمه دوم قرن نوزدهم، موجب رونق فعالیت‌های تجاری و پدید آمدن گروهی از بازرگانان ثروتمند شد که به صادرات مواد خام و واردات کالاهای مصرفی مشغول بودند. همچنین در این اوضاع، یک بازار بزرگ داخلی برای ایران به‌وجود آمد

و شهرهایی مثل تهران، تبریز، رشت و اصفهان به مراکز مهم تجاری تبدیل شدند (محمودی، ۱۳۸۱: ۲۹-۳۰).

با توسعه مناسبات اقتصادی ایران، بر تعداد و نفوذ تاجران ایرانی افزوده شد. در این زمان، اتحادیه‌های صنفی سازمان‌یافته با رئیس و صندوقدار و جلسات منظم شکل گرفت. در دهه‌های ۱۲۶۰ و ۱۲۷۰ش / ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰م، بازرگانان ایرانی راه‌اندازی شرکت‌های بزرگ تجاری و سرمایه‌گذاری در امور تولیدی از جمله راه‌اندازی کارخانه‌ها، استخراج معادن، راه‌سازی، کشتیرانی و سرمایه‌گذاری در صنایع سنتی به‌ویژه قالیبافی را آغاز کردند و روزبه‌روز بر ثروت خود افزودند (فوران، ۱۳۷۷: ۱۹۴-۱۹۵). در این زمان، گسترش راه‌ها و تشکیل بانک‌ها دو عامل مؤثر بر رشد تجارت در ایران بودند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، رونق تجارت در ایران سبب شد تا بازرگانان تجارتخانه‌های مهمی را در کشور تأسیس کنند و به قدرت خود و در نتیجه به قدرت سرمایه ملی بیفزایند. این مراکز به رقابت با واردات کالاهای مؤسسات اروپایی و همچنین رقابت با بانک‌های اروپایی (شاهنشاهی و استقراضی) پرداختند و دشواری‌های زیادی را برای آنان به‌بار آوردند. پایه‌گذاران و اعضای این شرکت‌ها در زمره رهبران مشروطه قرار گرفتند. برخی از این شرکت‌ها عبارت بودند از: ۱. تجارتخانه تومانیانس (تبریز، ۱۲۵۷ق)؛ ۲. تجارتخانه جهانیان (شعبه‌های اصفهان، شیراز، کرمان و یزد، ۱۳۱۲ق)؛ ۳. تجارتخانه جمشیدیان (شعبه‌های شیراز، کرمان، یزد، بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس، ۱۳۰۴ق)؛ ۴. کمپانی فارس (بازارهای جنوب، ۱۳۱۵ق)؛ ۵. شرکت اتحادیه (تبریز، ۱۳۱۵ق)؛ ۶. شرکت عمومی ایران (تهران، ۱۳۱۷ق)؛ ۷. شرکت اسلامی (اصفهان، ۱۳۱۶ق).

۷-۱۲. صنعتی شدن

اولین کارخانه ایران (کارخانه ساخت توپ، فشنگ و باروت) به‌منظور تأمین تجهیزات نظامی در تبریز و به‌دستور عباس میرزا ساخته شد. عباس میرزا برای پیشرفت صنعت، استخراج معادن آهن و سرب و مس و برپایی دستگاه‌های پنبه‌ریسی و پشم‌ریسی و پارچه‌بافی را آغاز کرد و به‌منظور تعلیم پارچه‌بافی به سبک انگلیسی، کارشناسان خارجی را به تبریز دعوت کرد

تأثیر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی بر ... رضا فاضل و همکار

و کارخانه‌های بافندگی را در خوی به راه انداخت (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۶۳؛ خاماچی، ۱۳۷۵: ۲۵۵).

پس از عباس میرزا، امیرکبیر با هدف تأمین نیازمندی‌های ارتش و قطع واردات خارجی، پانزده کارخانه برای تولید توپ، سلاح‌های سبک، یونیفورم‌های نظامی، انواع نشان‌های نظامی، پارچه‌های پشمی، چلوار و پارچه‌های دیگر، کالسکه، سماور، کاغذ، چدن، سرب، مس و قند و شکر احداث کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۷۰). پس از او، به‌ویژه در قرن چهاردهم میلادی (نیمه دوم قرن نوزدهم)، بازرگانان ایرانی نیز به سرمایه‌گذاری در امور تولیدی از جمله راه‌اندازی کارخانه‌ها، استخراج معادن، راه‌سازی، کشتیرانی و سرمایه‌گذاری در صنایع سنتی به‌ویژه قالبیابی گرایش پیدا کردند. به این ترتیب، در پایان سده نوزدهم در بسیاری از شهرهای ایران کارگاه‌های بزرگ صنایع نساجی، ابریشم‌تایی، قالبیابی، چرم، تهیه تریاک، تهیه حنا و استخراج معادن تأسیس شد (فلور، ۱۳۷۱: ۱۵).

۸. تحلیل فرضیه‌ها

فرضیه نخست تحقیق به این شرح است: «نوسازی‌های اجتماعی انجام‌شده در دوران قاجار به شکل‌گیری و گسترش یک طبقه متوسط شهری جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده و در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است».

آنچه در اینجا به‌عنوان طبقه متوسط جدید مطرح شده، همان چیزی است که با عنوان «روشنفکران» عصر قاجار نامیده می‌شود و سابقه شکل‌گیری آن به دوران سلطنت فتحعلی شاه بازمی‌گردد که عباس میرزا (ولیعهد) عده‌ای را با هدف یادگیری علوم جدید روانه اروپا کرد. تلاش برای نوسازی ایران که با مدرن کردن تجهیزات ارتش آغاز شده بود، به سایر ارکان دولت و حکومت نیز راه یافت و نو شدن هر بخش نیاز به نیروهای متخصص داخلی را نیز بیشتر کرد و لازم شد تا هر روز افراد بیشتری به‌شيوه‌های نوین تحت آموزش قرار گیرند. با سرعت گرفتن تغییرات در دوران ناصرالدین شاه و افزایش شمار مظاهر تمدن غرب در ایران از جمله مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، روزنامه‌ها، کارخانه‌ها و... نیاز به نیروهای متخصص داخلی که با عنوان مهندس، پزشک، افسر ارتش، کارمند اداری، مترجم، معلم، روزنامه‌نگار و... در این

سازمان‌ها مشغول به کار بودند، بیشتر شد و روزه‌روز بر تعداد این افراد افزوده شد. اما آموزش این متخصصان در فرنگ یا به سبک غربی فقط در یادگیری فنونی خاص خلاصه نشد و ناگزیر آشنایی این تحصیل‌کردگان با افکار، اندیشه‌ها و گرایش‌های دنیای مدرن را نیز به دنبال آورد. آنان شیفته برتری‌های غرب شدند و با بیزاری از عقب‌ماندگی‌های ایران، مشتاق مدرن شدن کشور شدند. عملی کردن این اندیشه‌ها دخالت روشنفکران در تصمیم‌گیری‌های حکومتی را ضرورت بخشید و لازم بود تا این گروه، به‌شکلی راه را برای مشارکت خود در سیاست فراهم آورند؛ درحالی که نوع حکومت مانع از مداخله مؤثر آنان می‌شد و همین مسئله محرک آنان برای مشروطه کردن سلطنت و تشکیل پارلمانی به سبک فرنگ بود که در آن نمایندگان مردم بتوانند مصالح کشور را به دور از کارشکنی‌ها و منافع شخصی عده‌ای از درباریان به پیش برند و ایران را به کشوری متمدن و مدرن مبدل کنند. اما در اوایل دوران سلطنت ناصرالدین شاه، انسجام و نزدیکی این روشنفکران به‌حدی نبود که بتوانند اندیشه تغییر حکومت را در سر بپرورانند و فعالیت‌های این افراد تا مدت‌ها به کمک‌های فکری و پیشنهادهایی به شاه محدود بود و در جریان نوسازی کشور مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این زمان، شاه به نظرات روشنفکران بی‌توجه نبود و به‌نظر می‌رسد عامل بازدارنده در پیشرفت ایران قرن نوزدهم بیش از هرچیز، مقاومت‌های گروه‌های سنتی با اِعمال تغییرات در کشور بوده است. این گروه‌ها هر اقدام جدیدی را برای زندگی معمولشان زیان‌بار تشخیص می‌دادند و به مخالفت با آن می‌پرداختند و شاه نیز برای حفظ آرامش کشور، سیاست مدارا با آنان درپیش می‌گرفت و اگر اقدامی به برانگیختن خشم مردم منجر می‌شد، دستور به توقف آن می‌داد؛ بنابراین در دوران ناصرالدین شاه، طبقات سنتی موجود نیازی به انقلاب کردن نداشته‌اند. اما برخلاف این طبقات، روشنفکران این عصر تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های خود دیگر قادر به پذیرش زندگی سنتی ایران نبودند و برآن بودند که کشور به تحولی همه‌جانبه به سبک فرنگ نیاز دارد. آنان دلیل تمام عقب‌ماندگی‌های ایران را در شیوه غلط حکومت می‌دانستند و خواستار تغییر شکل آن بودند؛ اما از انسجام کافی برای همفکری و اتحاد برخوردار نبودند تا اینکه ناصرالدین شاه خود مسبب این انسجام شد. به این ترتیب که با پذیرش تأسیس یک انجمن سیاسی با عنوان فراموشخانه، محل مشخصی را برای تجمع، تعامل و همفکری میان روشنفکران پدید آورد. در این مکان، روشنفکران هم‌رأی شدند که سِرِّ

عقب‌ماندگی ایران، وجود حکومت خودکامه شاهنشاهی در کشور است و برای پیشرفت ایران، محدود کردن قدرت شاه و درباریان ضرورت دارد. از این زمان بود که اندیشه مشروطه کردن سلطنت و استقرار مجلس و قانون در آنان شکل گرفت. در سال‌های پیش از انقلاب، روشنفکران، به‌عنوان گروهی مستقل، با انتشار روزنامه‌ها و مقالات به پراکندن افکار و مفاهیم جدید در میان گروه‌های باسواد به‌ویژه روحانیان پرداخته و زمینه فکری انقلاب را در میان این طبقه فراهم کرده بودند؛ ولی هنگام انقلاب به‌دلیل نبود فهم متقابل میان توده مردم و روشنفکران، اتحاد گروه‌های روشنفکر با بازاریان و روحانیان - که اعضای طبقه متوسط سنتی جامعه به‌شمار می‌رفتند و از نفوذ، اقتدار و احترام بسیاری در میان عوام برخوردار بودند - ضرورت یافت و این گروه‌ها بیش از پیش به هم نزدیک شدند تا اینکه افکار طبقه متوسط جدید با رهبری طبقه متوسط سنتی به مرحله اجرا درآمد. بنابراین، «نوسازی‌های اجتماعی انجام شده در دوران قاجار به شکل‌گیری و گسترش یک طبقه متوسط شهری جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شد و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بود».

فرضیه دیگر تحقیق عبارت است از: «نوسازی‌های اقتصادی انجام شده در دوران قاجار به تشکیل و گسترش ثروتمندان جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است».

بازرگانی در ایران از شغل‌های قدیمی و مورد احترام در میان مردم و دولت‌ها بوده و اغلب، برای طبقات فرودست امکان تحرک شغلی و وارد شدن به این حرفه وجود داشته است. زیاد شدن تعداد بازرگانان و به‌وجود آمدن گروه جدیدی از ثروتمندان با گسترش تجارت خارجی در دوران ناصرالدین شاه ارتباط دارد؛ چون تا پیش از این دوره، اقتصاد ایران اهمیت جهانی نداشته و تولیدات و صادرات و واردات نیز به‌شکل گسترده‌ای انجام نمی‌شده است. اما در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، یعنی حدود ۱۲۳۰ش و به‌ویژه بعد از دهه ۱۲۵۰ش با پیوستن ایران به بازار جهانی، صادرات و واردات ایران چندبرابر شد و نوسازی‌های اقتصادی انجام شده در کشور از جمله گسترش راه‌ها، تشکیل بانک‌ها و مؤسسه‌های اقتصادی، کارخانه‌ها و ... کار تجارت را رونق بخشید. پیشبرد منافع اقتصادی این گروه در اواخر قرن نوزدهم، اتحاد جمعیت بازاری و بازرگانی را - که تا پیش از این فقط به چشم رقیب به یکدیگر نگاه می‌کردند - به‌دنبال آورد و این گروه را به‌صورت یک نیروی سیاسی بزرگ وارد میدان کرد. در این میان،

بازرگانان ثروتمند درگیر در تجارت خارجی که به علت ارتباط با دنیای مرفقی به ویژه اروپا به حاملان اندیشه‌های جدید بدل شده و واردات افکار تازه به ایران را برعهده گرفته بودند، نقشی مانند نقش روشنفکران تحصیل کرده جدید را با اهدافی متفاوت ایفا کردند. ارتباط با دنیای مرفقی اروپاییان، این بازرگانان ثروتمند را نیز به تشکیل انجمن‌های آشکار و پنهان واداشت و به منتقدان سیاست و حکومت ایران اضافه کرد. دخالت بازرگانان در سیاست با ایجاد یک جنبش اقتصاد ملی که در جهت تحریم کالای غربی و ترویج کالای وطنی تلاش می‌کرد، آغاز شد. این گروه بر اثر گسترش تجارت خارجی، آشنایی با بانک‌ها و منافع آن‌ها، تأسیس مؤسسه‌های تجارتنی و... با تسهیلات و حقوق بازرگانان اروپایی و امکانات دست‌یابی به منافع بیشتر آشنا شدند و خواستار رسیدن به آن حقوق بودند و چون برای وضع قوانین حمایتی، امیدی به حکومت کهن نداشتند، به دنبال تغییر در سیاست و فراهم کردن امکان مداخله در حکومت برآمدند. بنابراین، این فرضیه هم تأیید می‌شود: «نوسازی‌های اقتصادی انجام شده در دوران قاجار به تشکیل و گسترش ثروتمندان جدید خواهان مشارکت سیاسی در جامعه منجر شده و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است».

آخرین فرضیه گویای این است که «نوسازی‌های انجام شده در دوران قاجار، از راه‌های مختلف از جمله با بالا بردن سطح سواد و آموزش و توسعه وسایل ارتباط جمعی به بالا رفتن سطح آگاهی‌های سیاسی مردم منجر شده و از این راه در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است».

در بخش‌های قبلی مقاله، نقش آموزش‌های جدید در افزایش روشنفکران و گسترش طبقه متوسط جدید و همچنین استفاده از روزنامه‌ها در پراکندن افکار و اندیشه‌های نو در میان افراد باسواد بررسی شد. در عصر قاجار، سوادآموزی در شکل سنتی آن و از طریق مکتب‌خانه‌ها در میان بازاریان و بازرگانان معمول بود و بیشتر آنان از توانایی خواندن و نوشتن برخوردار بودند. در سال‌های پیش از انقلاب، این باسوادی در کسب آگاهی از طریق روزنامه‌ها بسیار مؤثر بود و خواندن مقالات انتقادی منتشر شده در این زمان، یکی از عوامل مؤثر در علاقه‌مند کردن مردم به مسائل سیاسی به‌شمار می‌رفت و در بالا بردن آگاهی‌های آنان نقش مهمی داشت. در اینجا ممکن است با ذکر بی‌سوادی اکثریت مردم ایران و تأکید بر نقش روحانیان در تحریک توده و آگاه کردن آنان از ظلم و ستمی که بر آنان روا شده، این تصور به وجود آید که مشارکت مردم

ایران در پیشبرد انقلاب مشروطیت فقط به پیروی از روحانیان صورت گرفته و یک مشارکت سیاسی متأثر از نوسازی به‌شمار نمی‌آید و بیشتر حرکتی مذهبی بوده و با بالا رفتن سطح آگاهی‌های مردم ارتباطی ندارد و نظیر این پیروی از روحانیان در اتحاد مردم در واقعه تحریم تنباکو- که شانزده سال پیش از مشروطه (۱۲۶۹ش) رخ داده بود- نیز مشاهده می‌شود. اما جالب است بدانیم که این جنبش نیز مانند جنبش مشروطه بیشتر در شهرهایی مورد استقبال قرار گرفت که- براساس این پژوهش- بیشترین نوسازی‌ها را در زمان قاجار پشت سر گذرانده بودند؛ به این ترتیب که «نخستین فریادهای اعتراض [...] از شیراز [...] برخاسته و سپس تبریز، مشهد، اصفهان، تهران و نقاط دیگر را فراگرفته است.» (پزشکی، ۱۳۸۲: ۳۲). ضمن اینکه در آن زمان نیز مقالات فقط یک روزنامه (اختر) در آگاه کردن زیان‌دیدگان از این امتیاز تأثیر بسیاری داشته و همچنین در هر دو واقعه، امکان استفاده از تلگراف نقش مهمی را در هماهنگ کردن مردم شهرهای مختلف ایفا کرده است. هنگام لغو امتیاز توتون و تنباکو مردم نیز به فتوای علما از تحریم تنباکو استقبال کردند و شاه را واداشتند این امتیاز را لغو کند. به نظر می‌رسد مردم این زمان به‌دنبال آگاهی از منافع و مضرات خود، سراغ کسب آگاهی‌های بیشتر می‌رفتند و شناخته‌شده‌ترین مراجع در این هنگام، علما بودند؛ ولی در جریان انقلاب- که آشنایی با مراجع جدید میسر می‌شود- بسیاری از مردم انقلابی به‌طور مستقل، از علما خواهان مشروطه شدند؛ درحالی که علما فقط خواستار تشکیل عدالتخانه بودند و کاری به اساس حکومت نداشتند. همین موضوع نشان می‌دهد مردم در این زمان روحیه‌ای نوگرا یافته و خواستار دریافت تازه‌ترین مفاهیم و اطلاعات بوده‌اند؛ به‌طوری که با تحصن در سفارت انگلیس و کسب آگاهی‌های تازه در این سفارت، خواهان عدالتخانه- که این مفهوم را از علما آموخته بودند- به خواهان مشروطه- که مفهومی تازه‌تر بود- تبدیل شدند و این همان چیزی است که نظریه‌پردازان مکتب نوسازی با عنوان نوگرایی از آن یاد کرده و گفته‌اند که این حالت به‌دنبال توسعه فناوری و آموزش و گسترش علوم و وسایل ارتباط جمعی پیش می‌آید و شخص را آماده پذیرش ایده‌ها، اندیشه‌ها و تجربه‌های جدید می‌کند. این وضعیت درباره روحانیان عصر قاجار نیز دیده می‌شود و آنان نیز سرانجام به این باور نو رسیدند که «پیشرفت‌های شگرفی که در کشورهای غربی در زمینه‌های صنعت و فناوری رخ داده به‌خاطر

حکومت‌های آنان و وجود قانون در آنجا بوده [...] و اگر ایرانیان خود در این زمینه اقدام نکنند دشمنان بیگانه این کار را خواهند کرد.» (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۵۰).

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که گرچه ناصرالدین شاه آغازگر نوسازی‌های گسترده در ایران عصر قاجار بوده و بیشترین تلاش برای نوسازی کشور در زمان او صورت گرفته، گسترش مظاهر نوسازی در ایران (مثل تأسیس مدرسه‌های جدید) در دوران مظفرالدین شاه به وقوع پیوست و همین جریان است که افراد بیشتری را در معرض ارتباط با مظاهر تمدن جدید قرار داد و در نتیجه تأثیر گسترده‌تری بر پیدایش روحیه نوگرایی و مشارکت سیاسی داشت (تأکید بر نام شاهان قاجار برای مشخص کردن دوره مورد بحث است و به این معنا نیست که نوسازی کشور فقط با اقدامات حکومتی مرتبط است. برای مثال، گسترش دبستان‌ها در دوران مظفرالدین شاه اقدامی مردمی است).

با توجه به آنچه گفته شد، بی‌سوادی اکثریت مردم هنگام وقوع انقلاب مشروطه نقش مهم روحانیان را در گسترش افکار و آگاهی‌های جدید در میان مردم آشکار می‌کند و مانع بی‌سوادی اکثریت در کسب این افکار، فقط از طریق آنان رفع می‌شده است. روحانیان به‌ویژه در یک‌سال پیش از انقلاب مشروطه، فعالیت‌های زیادی را در زمینه آگاهی مردم انجام می‌دادند و در این مدت، واعظان مساجد علاوه‌بر اجرای مراسم مذهبی، به انتقاد از وضعیت مملکت‌داری و حکومت نیز می‌پرداختند و به مردم می‌فهماندند که در تمام زندگی‌شان مورد ظلم و ستم حاکمان قرار داشته‌اند و مردم نیز درمی‌یافتند که تا آن زمان حقوقی داشته‌اند که همیشه از آنان دریغ شده است؛ در نتیجه خود به بحث درباره این حقوق و پایمال شدن آن‌ها می‌پرداختند و این مباحث را به محافل دوستان و کوچه‌ها و خیابان‌ها نیز می‌کشاندند. در این زمان همه به دنبال آن بودند تا با شنیدن سخنان جدید و کسب اطلاع از واعظان و آگاهان و روزنامه‌ها و شبنامه‌ها آگاهی خود را از ستم‌های حکومتی افزایش دهند و از مظلومیت خود آگاه شوند و سرانجام گرد هم آمده، عدالتخانه‌ای برپا کنند و با مفاهیم آزادی، قانون و مشروطه آشنا شوند. در این فرایند، هرچند مدرسه‌دیدگان هم در انتقال ارزش‌های جدید نقش مؤثری داشتند، روحانیان از جایگاهی به‌مراتب بالاتر برخوردار بودند و به‌دلیل ارتباط مداوم با مردم و مورد اعتماد بودنشان نقش ویژه‌ای در نشر این افکار ایفا می‌کردند. در واقع، تأثیر نوسازی‌ها بر بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی مردم و افزایش مشارکت آنان، به‌واسطه وجود روحانیان معنا

پیدا می‌کرد؛ یعنی مردم نوگرا شده بر اثر نوسازی‌ها اغلب از طریق مجالس و عظیم روحانیان آگاهی‌های سیاسی خود را بالا می‌بردند. برخورداری غیررسمی واعظان از آزادی بیان- که در اواخر دوره سلطنت مظفرالدین شاه و در نتیجه بی‌اعتنایی عین‌الدوله به انتقادهای حاصل شده بود- نیز زمینه مساعدی را برای بالا بردن این آگاهی مهیا کرد و در اواخر دوره مظفرالدین شاه کار به جایی رسید که برخی روحانیان آشکارا در مجالس واعظان به انتقاد از حکومت و آگاه کردن مردم می‌پرداختند و حکومت نیز مانع آنان نمی‌شد تا اینکه عوام نیز تحت تأثیر قرار گرفته، متوجه سیاست شدند. در این زمان همه‌جا صحبت از ظلم و ستم حکومت بود تا اینکه در بهار ۱۲۸۵ش، عین‌الدوله- که تا پیش از این سرگرم سامان دادن به اوضاع اقتصادی کشور بود- ناچار به محدود کردن اجتماعات و برقراری حکومت نظامی در تهران شد؛ اما نتوانست جلوی پیشروی حوادث را بگیرد. به این ترتیب، افکار و ارزش‌های جدید (رهایی از ستم حکومت، دستیابی به قانون و...) به‌طور گسترده در میان تهرانی‌ها رواج یافت.

[مردم که] در این ده یازده سال سلطنت مظفرالدین شاه به‌واسطه مدرسه‌های جدید و روزنامه‌های داخلی و مجلات و جراید فارسی هند و مصر چشم و گوششان باز شده بود و از شاگردان مدرسه‌های جدید چیزهایی شنیده بودند، از ترتیبات حکومتی اروپا مطلع و همگی طالب تغییر اوضاع بودند (مستوفی، ۱۳۶۰: ۶۳).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، این فرضیه که «نوسازی‌های انجام‌شده در دوران قاجار به‌شکل‌های مختلف از جمله با بالا بردن سطح سواد و آموزش و توسعه وسایل ارتباط جمعی به بالا رفتن سطح آگاهی‌های سیاسی مردم منجر شده و در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیرگذار بوده است» با حذف اهمیت عامل سواد (نه حذف عامل سواد)، مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ زیرا منبع کسب آگاهی‌های سیاسی برای اکثریت مردم بی‌سواد این دوره شنیدن سخنان افراد آگاه بوده و با بی‌سوادی یا باسوادی آنان ارتباطی نداشته است. ولی اکثریت آگاه‌کنندگان که در نقش‌های رهبری این مردم قرار داشتند، با برخورداری از سواد و آموزش رسمی، قادر به استخراج اطلاعات مورد نیاز از درون کتاب‌ها، روزنامه‌ها و... و همچنین ارتباط مستقیم با صاحبان این افکار (از طریق شرکت در جلسات و انجمن‌های مخفی) بودند و خود آنان نیز به منابع اطلاعاتی برای دیگران تبدیل می‌شدند. ضمن اینکه گسترش فعالیت‌های تجاری و

مهاجرت‌های کاری و به‌طور کلی هرگونه ارتباط با سایر کشورها نیز وسیله‌ای مؤثر در کسب آگاهی‌های تازه و انتقال آن‌ها بود.

با توجه به اینکه تمام اقدامات انجام‌شده در جهت نوسازی کشور به‌شکل‌های گوناگون باعث تعامل بیشتر میان ایرانیان و فرنگیان بوده و روشنفکران و بازرگانانی که با ادامه تحصیل یا گسترش تجارت خارجی، از وضعیت سایر ملل آگاه بودند و حاملان اندیشه‌های جدید در عرصه‌های مختلف به‌شمار می‌آمدند و بسیاری از این اندیشه‌ها از طریق آنان وارد ایران می‌شد و همچنین با توجه به نقش مظاهر نوسازی از جمله آموزش، مدرسه‌ها، روزنامه‌ها، تلگراف و... می‌توان به این نتیجه رسید که: «نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی انجام‌شده در عصر قاجار با فراهم کردن امکان نشر سریع و گسترده افکار تازه در میان مردم در بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی، مشارکت سیاسی و وقوع انقلاب مشروطیت در ایران مؤثر بوده‌اند».

درواقع، نوسازی‌های انجام‌شده در دوران قاجار هرچند ایران را به کشور مدرنی تبدیل نکرد، با ایجاد تغییر در نهادهای شناخته‌شده کهن (آموزشی، اقتصادی، ارتباطی و...) باور تغییرپذیری شرایط موجود را در مردم بارور کرد و با گذشت زمان، شمار زیادی از آنان را درگیر این باور و علاقه‌مند به دگرگونی شرایط زندگی کرد. بدین ترتیب، تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی با ایجاد تغییر در شیوه‌های زندگی و اندیشیدن و با جایگزین کردن ارزش‌های کهن با ارزش‌های نو، دگرگونی در اوضاع سیاسی کشور را گریزناپذیر کرد.

۹. نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق، ایران عصر قاجار نوسازی‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری را به‌ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم از سر گذراند. شهرهای اصفهان، بوشهر، تبریز، تهران، رشت، شیراز و مشهد در میان سایر شهرها از امکانات بیشتری (مثل بانک، تجارت خارجی، تلگراف، روزنامه، مدرسه‌های ایرانی و خارجی، مریض‌خانه و...) برخوردار بودند. در میان این شهرها، تهران و تبریز از لحاظ کمی و کیفی امکانات بیشتری را به خود اختصاص داده بودند و در جریان نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی ایران بیشترین سابقه را داشتند. همچنین، کسب فرمان مشروطیت در چهاردهم مرداد ۱۲۸۵ کاملاً دستاورد مردم تهران بود و در این زمان هنوز

شهرهای دیگر درگیر انقلاب نشده بود و آشکار است که در این زمان، مردم تهران به دلیل پایتخت بودن این شهر از امکانات و رفاه بیشتری برخوردار بودند. بنابراین، انجام نوسازی‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده در ایران عصر قاجار و مقدم بودن آن بر وقوع انقلاب مشروطه، مورد مشاهده و تأیید قرار می‌گیرد. همچنین، توجه به آغاز جریان اصلاحات در دوران عباس میرزا و چگونگی سرعت گرفتن آن در دوران ناصرالدین شاه روشن می‌کند که محرک اصلی نوسازی در زمان قاجار، آگاهی از پیشرفت‌های غرب و مقایسه وضعیت ایران با فرنگ بوده و این مقایسه نه تنها در میان کارگزاران دولت، بلکه در میان تمام کسانی که به هر شکل (مثل سفرهای کاری یا تحصیلی) در ارتباط با غرب بودند، تأثیر داشته و آنان را به تلاش در جهت ایجاد نوسازی اقتصادی و اجتماعی در کشور ترغیب کرده است. این نوسازی‌ها در اواخر دوران قاجار با آزاد کردن نیروهای نوکننده در میان مردم اهداف و آرمان‌های تازه‌ای را در میان آنان رواج داد و همین اهداف، ضرورت ایجاد شکل‌های جدیدی از سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در کشور پدید آورد و همسویی برای دست یافتن به این اهداف، به افزایش مشارکت سیاسی و درنهایت، وقوع انقلاب مشروطیت ایران منجر شدند.

منابع

- آبراهامیان، یراوند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی و ولی لایی. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). *امیرکبیر و ایران*. چ ۵. تهران: خوارزمی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۷). *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه*. ترجمه جواد یوسفیان. تهران: نشر بانو.
- آوری، پیتز (۱۳۸۲). *تاریخ معاصر ایران: از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*. ترجمه محمد رفعی مهرآبادی. چ ۶. تهران: مؤسسه انتشارات عطایی.
- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۷۹). *سالنمای زنان ایران و جهان*. تهران: نشر توسعه.
- الماسی، علی محمد (۱۳۷۸). *تاریخ مختصر تعلیم و تربیت در اسلام و ایران*. تهران: رشد.

- باری‌یر، جولیان (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران ۱۹۷۰-۱۹۰۰*. مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی سازمان برنامه.
- برار، ویکتور (۲۵۳۵). *انقلابات ایران*. ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیانی، خان‌بابا (۱۳۷۵). *پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری: چهره و سیمای راستین ناصرالدین شاه*. تهران: علم.
- پزشکی، محمد و دیگران (۱۳۸۲). *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*. تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی. و ۳. ج ۲۹. قم: دفتر نشر معارف.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸). *اسنادی از مدرسه‌های دختران از مشروطیت تا پهلوی*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- جمالزاده، ناصر (۱۳۸۴). «علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه غرب». *دوفصلنامه علمی- تخصصی علوم سیاسی*. د ۱. ش ۱. صص ۵-۳۰.
- حسن‌بیگی، محمدرضا (۱۳۶۶). *تهران قدیم*. تهران: ققنوس.
- خاماچی، بهروز (۱۳۷۵). *بازار تبریز در گذر زمان*. تبریز: آشینا.
- خلیلی‌خو، محمدرضا (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*. تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاه، واحد شهید بهشتی.
- راین، اسماعیل (۲۵۳۵ / ۱۳۴۲). *انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران*. ج ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- رایینو، هل (۱۳۷۲). *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق / ۱۲۸۹ ش*. تهران: اطلاعات.
- رهبری، مهدی (۱۳۷۹). *اقتصاد و انقلاب اسلامی، بررسی مقایسه‌ای نظریه‌های اقتصادی با انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲). *تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه*. تهران: سازمان انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا.

تأثیر نوسازی‌های اقتصادی و اجتماعی بر ... رضا فاضل و همکار

- روشه، گی (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. چ ۱۱. تهران: نشر نی.
- سو، آلوین (۱۳۷۸-۱۳۸۰). *تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. چ ۲. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیخاوندی، داور (۱۳۶۹). *زایش و خیزش ملت*. تهران: ققنوس.
- عباسی، محمدرضا و پرویز بدیعی (۱۳۷۲). *گزارش‌های اوضاع سیاسی اجتماعی ولایات عصر ناصری ۱۳۰۷ هجری قمری*. تهران: سازمان اسناد ملی.
- علویون، محمدرضا (۱۳۸۱). *کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه ایران*. چ ۲۱. تهران: امیرکبیر.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵). *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- محمودی، جلیل و ناصر سعیدی (۱۳۸۱). *شوق یک خیز بلند: نخستین اتحادیه‌های کارگری در ایران ۱۳۲۰-۱۲۸۵*. تهران: قطره.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۴). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. ج ۱. تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی.
- _____ (۱۳۶۰). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. ج ۲. چ ۳. تهران: زوار.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۰). *سیری در نظریه‌های انقلاب*. چ ۳. تهران: قومس.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲

- ناهیدی آذر، عبدالحسین (بی تا). *تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام مجموعه روزنامه ناله ملت*. [بی جا]: مؤسسه انتشارات تلاش.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.

Archive of SID